



دیدگاه

شماره: ۱۳۰

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

موضوع: هدف گذاری رشد پایه پولی به عنوان مقدمه ای بر اجرای سیاست هدف گذاری تورمی

تهیه و تنظیم: حسن حیدری

توضیح اجمالی:

۱- تورم بیماری مزمن اقتصاد ایران است بطوریکه اقتصاد ایران همواره نرخهای تورمی دو رقمی را تجربه نموده است . اگر نرخ تورم بین سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۹ را در نظر بگیریم، در این مدت شاخص قیمتها به طور متوسط سالانه بیش از ۱۵ درصد رشد کرده است.
۲- تجربه جهانی نشان می دهد که بیشتر کشورهای موفق برای کاهش نرخ تورم خود از چارچوب سیاستی هدف گذاری تورمی استفاده کرده اند.

۳- می توان هدف گذاری تورمی را به عنوان یک چارچوب سیاستی تعریف نمود که در آن چهار ویژگی و پیش نیاز اصلی تعبیه می شود. این چهار عنصر عبارتند از: (۱) وجود یک الزام و تعهد نهادی و قانونی به تورم پایین به عنوان هدف اصلی سیاست پولی، (۲) اعلان عمومی این هدف کمی برای تورم به همراه افق زمانی مشخص برای دستیابی به این هدف در آینده نزدیک (مثلا یک تا سه سال آینده)، (۳) اعطای استقلال کافی به بانک مرکزی برای اجرای سیاستهای مورد نیاز جهت دستیابی به تورم هدف، (۴) اجرای سیاست پولی با این شرط که اولاً این سیاستها شفافیت کافی داشته باشند، و ثانیاً مقامات پولی در زمینه این سیاستها پاسخگو باشند. در این چارچوب عموم مردم هم از دلایل اجرای یک سیاست پولی آگاه می شوند و هم از میزان تحقق آنها اطلاع می یابند.

۴- کانادا، نیوزلند، استرالیا، کره جنوبی و تایلند از مثالهای موفق اجرای این چارچوب سیاستی هستند . براساس چارچوب سیاستی هدف گذاری تورمی در نیوزلند، بانک مرکزی این کشور باید نرخ تورم را در سطحی بین ۱ تا ۳ درصد حفظ کند، با این شرط که این سیاست باعث ایجاد بی ثباتی در نرخهای بهره و تولید نشود.

۵- در کشور ما در بلندمدت می توان به یک چارچوب هدف گذاری تورمی دست یافت، اما پیش نیاز آن انجام اصلاحاتی در نظام بودجه ریزی، نظام ارزی، و بانک مرکزی است . با این وجود در کوتاه مدت و میان مدت می توان سیاست هدف گذاری نرخ رشد پایه پولی را به عنوان یک جایگزین نزدیک هدف گذاری تورمی تجویز کرد.

براین اساس پیشنهاد می شود:

با توجه به ارتباط بالای بین رشد حجم پول و رشد قیمتها، انتظار بر این است که محدود کردن رشد حجم پول از طریق کنترل رشد پایه پولی بتواند متوسط نرخ تورم را کاهش دهد . بنابراین، می توان یک نرخ رشد کمتر از ۱۰ درصد در سال برای پایه پولی را به عنوان هدف در نظر گرفت که بانک مرکزی و دولت ملزم به دستیابی به آن شوند . بر این اساس، باید یک نرخ هدف کمتر از ۱۰ درصد در سال را به عنوان رشد پایه پولی در نظر گرفت که با یک دامنه محدود بین ۱ تا ۳ درصدی، بانک مرکزی ملزم به حفظ آن باشد. در این صورت عامل اصلی رشد قیمتها که رشد نقدینگی است، از طریق رشد پایه پولی کنترل می شود. اما این سیاست زمانی موفق خواهد بود که در کنار آن سیاستهای مالی ضد تورمی مکمل آن نیز از سوی دولت اجرا شود.

تأیید رئیس مؤسسه:

تأیید رئیس گروه مشاوران: